

Currency Futures Transactions from the Perspective of Economic Criminalization in the Iranian Legal System

Mahla Niavaran ¹, Mohammad Hasan Emamverdy ²

1. M.A. Student in Private Law, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). E-mail: mahla.niavaran@imamreza.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Law, Imam Reza International University, Mashhad, Iran. E-mail: emamverdy@imamreza.ac.ir

Received: 2025-08-02	How to cite this article: Niavaran, M., & Emamverdy, M.H. (2025). Currency Futures Transactions from the Perspective of Economic Criminalization in the Iranian Legal System. Research Journal on Business Law and Investment, 1(1) (1): 111-127.
Revised: 2025-09-06	
Accepted: 2025-09-12	
Available Online: 2025-09-23	

Introduction

Currency futures transactions, as one of the modern trading methods in financial markets, have come to the forefront of legal and economic systems due to their nature based on predicting future prices and the lack of physical delivery of currency. In Iran, given the challenges arising from currency fluctuations, international sanctions, and the necessity of maintaining economic stability, examining these transactions from the perspective of economic criminalization is of particular importance. This research has been conducted with the aim of explaining the position of currency futures transactions in the Iranian legal system and analyzing them based on the criteria of economic crimes, especially the principle of transparency and combating money laundering. The main objective of this research is to analyze currency futures transactions from the perspective of economic criminology and to examine their compliance or non-compliance with the legal principles governing economic crimes in Iran. Additionally, explaining the role of these transactions in violating the principle of transparency, facilitating money laundering, and creating economic fluctuations are among the secondary objectives of this research. Furthermore, the present study seeks to explore the grounds for strengthening organized economic crimes by examining the gambling-like and speculative/risky (gharar) nature of these transactions and to provide legal solutions to counter this phenomenon.

Method

This research has been compiled using a descriptive-analytical method and by utilizing library studies, including legal, jurisprudential (fiqhi), and economic sources. By referencing domestic laws, including the Monetary and Banking Law, the Law on Combating Smuggling of Goods and Currency, the Law on Combating Money Laundering, as well as jurisprudential principles, the nature of currency futures transactions and their compliance with the criteria of economic crimes have been examined. In this regard, relevant judicial procedures have also been used, and the alignment of these transactions with international standards for combating economic corruption has been considered.

Findings

The research findings indicate that currency futures transactions conflict with the principles of economic crimes for several reasons. First, the gambling-like (qamar) nature of these transactions, due to their dependence on chance and the prediction of future prices, leads to a violation of the principle of transparency and creates risk in the economic system. From a jurisprudential (fiqhi) perspective, due to uncertainty in the subject of the transaction and the presence of the element of chance, these transactions are classified as speculative/risky transactions (mu'amalat al-gharar), which, according to Article 216 of the Civil Code, results in their invalidity (butlan). Second, uncertainty in the subject and purpose of the transaction contributes to its speculative/risky (gharar) nature and leads to the legal nullification of such agreements. Third, these transactions, due to the lack of use of official banking platforms and written contracts, provide a suitable ground for money laundering and concealing the financial origin of funds. Also, according to Article 13 of the Central Bank Law and related regulations, conducting currency futures transactions by natural and legal persons is prohibited, and violators are subject to legal prosecution. These transactions, by strengthening economic fluctuations and disrupting financial security, are recognized as an instance of economic crime in the Iranian legal system. On the other hand, these transactions, by creating grounds for tax evasion and strengthening the unorganized money market, pose a serious threat to the government's fiscal sovereignty.

Conclusion

In summary, currency futures transactions, due to their gambling-like, speculative/risky (gharar), and non-transparent characteristics, not only conflict with the legal and jurisprudential principles of Iran but are also considered an effective factor in weakening economic security and strengthening crimes such as money laundering. Therefore, criminalizing these transactions within the framework of existing laws is a logical and necessary approach to maintaining economic stability and financial transparency. It is suggested that by creating formal markets supervised by competent institutions and strengthening regulatory mechanisms, the expansion of informal and destructive transactions be prevented. Furthermore, public education and awareness-raising about the harmful consequences of these transactions and strengthening the system for reporting suspicious transactions can be effective in preventing the spread of this phenomenon.

English Keywords: Economic Criminalization, Forward Currency Transactions, Uncertainty, Gambling, Economic Security.



معاملات فردایی ارز از منظر جرم انگاری اقتصادی در نظام حقوقی ایران

مهلا نی آوران^۱، محمدحسن امام وردی^۲

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران. رایانامه: mahla.niavaran@imamreza.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: emamverdy@imamreza.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

ثبات اقتصادی و پیشگیری از نوسانات ارزی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام حقوقی و بانکی کشور است و به همین دلیل جرم‌انگاری اقتصادی جایگاهی ویژه یافته است. از این رو ضروری است که در نظم قانونی، معاملات فردایی ارز از منظر جرم‌شناسی اقتصادی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. هدف پژوهش حاضر تحلیل این معاملات بر اساس معیارهای اصلی جرم اقتصادی، به‌ویژه اصل شفافیت، می‌باشد. به همین جهت، با بهره‌مندی از استدلال قیاسی، فرضیه تحقیق بر احتمال نقض اصل شفافیت به‌وسیله معاملات فردایی ارز استوار می‌باشد. بر این اساس در پژوهش حاضر که مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی همراه با بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه تدوین‌یافته است، ضمن تعریف جرم اقتصادی به‌عنوان عملیات ناقض امنیت اقتصادی در ابتدا مشخص گردید که معاملات فردایی ارز به دلیل ماهیت «قماری بودن» و «نامعلوم بودن» موضوع و جهت معامله به‌طور جدی ناقض اصل شفافیت در عملیات اقتصادی است در نتیجه می‌تواند منجر به تقویت جرم «پولشویی» در نظام اقتصادی کشور شود و همچنین ملاحظه گردید که معاملات فردایی ارز به دلیل ماهیت غرر و عنصر احتمال، منجر به تقویت نوسانات اقتصادی و در نتیجه نقض امنیت اقتصادی می‌گردد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها: جرم انگاری اقتصادی، معاملات فردایی ارز، غرر، قمار، امنیت اقتصادی.

استناد: نی آوران، مهلا و امام وردی، محمدحسن (۱۴۰۴). معاملات فردایی ارز از منظر جرم انگاری اقتصادی در نظام حقوقی ایران. *حقوق کسب و کار و سرمایه‌گذاری*، ۱(۱) (پیاپی ۱)، ۱۱۱-۱۲۷.

<http://doi.org/10.82466/jbli.2025.1213690>

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی.

مقدمه

امروزه دولت‌ها و نظام‌های سیاسی علاوه بر قلمرو موضوعات اجتماعی و فرهنگی با طیف گسترده‌تری از چالش‌های حقوقی و قضائی روبه‌رو می‌باشند که هم‌زمان با توسعه روابط اقتصادی و مالی بین اعضای جامعه، شکل می‌گیرد که از آن با عنوان جرائم اقتصادی یاد می‌شود. جرم اقتصادی از دسته جرائم محسوب می‌گردد که علاوه بر آثار حقوقی و کیفری بر وضعیت فرد، آثار منفی اجتماعی گسترده‌ای را به همراه دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به مواردی همچون پولشویی و فرار مالیاتی اشاره نمود. در این میان یکی از بسترهای مساعد جهت وقوع جرائم اقتصادی، بازارهای معاملاتی مرتبط با داد و ستد ارزهای خارجی، به‌ویژه معاملات فردایی می‌باشد که طی آن افراد در قالب توافقات شفاهی غیر مکتوب، بی‌آنکه مورد معامله را رد و بدل نمایند، بر اساس پیش‌بینی قیمت ارز در روز آینده، به داد و ستد ارز مبادرت می‌ورزند. بر این اساس ضرورت بحث اقتضا دارد که معاملات فردایی از منظر «جرم اقتصادی بودن» مورد تحلیل و ارزیابی حقوقی واقع گردد. در بحث این ارتباط، لازم است که در گام اول نسبت میان حاکمیت اراده از منظر حقوق قراردادهای در نظام حقوقی ایران از یک‌سو و ارزیابی عناصر وقوع جرم اقتصادی از سوی دیگر مورد تحلیل قرار گیرد از این رو هدف اصلی در پژوهش حاضر بر امر تطبیق اوصاف جرم اقتصادی با عملیات فردایی ارز متمرکز می‌باشد. قبل از آغاز بحث لازم است ابتدا درک خود را از مفهوم شفافیت^۱ مالی و اقتصادی بیان داریم.

امروزه در ادبیات حقوقی، شفافیت اقتصادی به‌عنوان قاعده بنیادین در نظام اقتصادی کشور به‌عنوان ابزاری جهت برنامه‌ریزی و تکامل روند اقتصادی توسط دولت و نظام مدیریتی مدنظر قرار می‌گیرد. اساس امر شفافیت بر آن است که داده‌های اطلاعات مالی که در اختیار دولت قرار داده می‌شود با امر واقع انطباق داشته تا از طریق آن دولت بتواند برنامه‌ریزی، سیاست‌گذار و چاره‌سازی اقدامات اقتصادی خود را بر اساس واقعیات موجود تدوین نماید. بر این اساس به هر میزان که این داده‌های اطلاعاتی دقیق‌تر و شفاف‌تر باشند، سیاست‌های اقتصادی دولت با واقعیات زیست اقتصادی - مدنی اشخاص (اعم از حقیقی یا حقوقی) هماهنگی بیشتری داشته و راه‌حل‌های آن اثرگذارتر عمل می‌نمایند. بدین نحو شفافیت اقتصادی شامل کلیه اطلاعات مالی اعم از اطلاعات داد و ستدی، مالکیت محور و تعاونی مردم، شرکت‌ها، سرمایه‌داران، دولتمردان، فعالان اقتصادی اعم از تجار و تولیدکنندگان، اطلاعات مربوط به زمین و مسکن، تولیدات داخل، مقدار و اقلام وارداتی و صادراتی در اختیار دولت می‌باشد. با این حال با توجه به شکل‌گیری شیوه‌های جدید در امر داد و ستد کالا و خدمات مانند معاملات فردایی ارز که بر عنصر «احتمال» و «پیش‌بینی قیمت‌ها در روز بعد» استوار است، به نظر می‌رسد که میزان انطباق این روش با اصل شفافیت اقتصادی با تردیدهای جدی همراه است. از این رو در پژوهش حاضر که به شیوه توصیفی - تحلیلی همراه با بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای تدوین می‌گردد، سؤال اصلی بر این امر استوار می‌باشد که: رویکرد حقوقی در قلمرو جرم انگاری اقتصادی در قبال معاملات فردایی ارز چیست؟ همچنین سؤال فرعی که پرداخت به آن به تحلیل هدف اصلی در پژوهش حاضر کمک خواهد کرد عبارت است از اینکه: معاملات فردایی ارز تا چه میزان با اصل شفافیت در حقوق اقتصادی انطباق دارد؟ بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که پاسخ به سؤالات مندرج در این پژوهش می‌تواند موقعیت معاملات فردایی ارز از منظر رویکرد حقوقی را مشخص نموده و دیدگاه جرم شناختی در قبال نقض اصل شفافیت در ابزار داد و ستد ارزی را نمایان بسازد.

۱. معاملات فردایی

بازار ارز بزرگ‌ترین و سریع‌ترین بازار در حال رشد در جهان است. به‌طور کلاسیک، بازار ارز قرارگاهی است که از طریق آن دولت‌ها، مشاغل، سرمایه‌گذاران، مسافران و سایر اشخاص ذینفع، ارز را تبدیل یا «تبادل» می‌کنند. در بنیادی‌ترین سطح خود، بازار ارز یک بازار فراپورس (OTC)^۲ محسوب می‌شود که در آن صرافی مرکزی و اتاق پایاپای^۳ وجود ندارد که در آن سفارش‌ها

^۱ Transparency

^۲ Over-the-Counter

^۳ Clearing House

مطابقت داده شوند؛ بنابراین فروشندگان و بازارسازان در سراسر جهان شبانه‌روز از طریق تلفن، رایانه و فکس با یکدیگر مرتبط هستند و یک بازار منسجم را به صورت مشترک راهبری می‌کنند. در طول سال‌ها، بسیاری از مؤسسات که ابزارهای قابل معامله در بورس را ارائه می‌دهند، تغییر کرده است، اما همه قیمت‌ها هنوز از بازار ارز اصلی یا نقطه‌ای استخراج می‌شوند.

هم‌زمان با توسعه اقتصادی و گرایش جامعه جهانی به تبادل کالا و خدمات، ارزش و اعتبار ارزهای خارجی، طلا و سایر کالاهای سرمایه‌ای رو به افزایش بوده به نحوی که این دسته از کالاها بیش از آنکه وسیله معاملات بین‌المللی قرار گیرند خود به موضوع آن تبدیل شده و بازار متفاوتی را به وجود آورده‌اند. این امر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که ممکن است تحت تأثیر تحولات بین‌المللی، تهدید به درگیری نظامی یا تحریم‌های اقتصادی قرار داشته باشند، با نوسانات بالاتری همراه است که این نوسانات امروزه مولود شکل‌گیری روش‌های نوینی در داد و ستد شده است که از آن جمله می‌توان به معاملات فردایی ارز اشاره نمود. معاملات فردایی ارز عبارت‌اند از معاملاتی که: در قالب عضویت در کانال‌های تلگرامی تحت پوشش یک فرد به‌عنوان مدیر گروه، سازمان‌یافته که اشخاص عضو در آن کانال مبتنی بر اعتبار خویش اقدام به معاملات ارزی می‌نمایند که در پایان روز آن را تسویه نموده بی‌آنکه ارز به صورت فیزیکی رد و بدل شود و در مقابل، نوسان قیمت آن در روز آینده مبنای مابه‌التفاوت قیمت قرار گرفته و تنها در صورت کاهشی بودن قیمت روز آینده، طرف مقابل متعهد به جبران نوسان آن خواهد بود. معاملات فردایی به‌عنوان یکی از ابزارهای مشتقه، شباهت ویژه‌ای به معاملات آتی دارند و این در حالی است که ابزار مشتقه عبارت‌اند از: ابزار مالی که ارزش آن وابسته به ارزش دارایی دیگر و متغیر است. ابزار مشتقه اساساً برای پوشش ریسک و مخاطره مربوط به خرید، نگاهداری و فروش دارایی‌هایی که قیمت آنها نوسان می‌کند، استفاده می‌شود (مشهدی زاده، ۱۳۹۵: ۳۷-۳۸). مبتنی بر ماده ۱ از مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها، معاملات فردایی عبارت‌اند از معاملاتی که در آن مبادله ارز و ریال به روز یا روزهای آینده موکول شده، به‌طور عمده توسط اشخاص حقیقی انجام پذیرفته و اغلب موارد منجر به تحویل فیزیکی ارز نشده و تنها در آن تفاوت قیمت، تسویه می‌گردد. با این حال در نظام حقوقی ایران مبتنی بر ماده ۱۳ از همین قانون، ابلاغی بانک مرکزی به سال ۱۳۹۵، معاملات فردایی ارز توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع بوده و متخلفین بر اساس ماده ۱۵ مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها به استناد قانون پولی و بانکی کشور، قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی، قانون اخلاص در نظام اقتصادی و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

در خصوص معاملات فردایی می‌توان به سه بازیگر مهم اشاره داشت. اول: فروشندگان که در فرآیند معاملات فردایی ارز افرادی هستند که احتمال کسب سود ایشان از دیگران بیشتر است. این دسته از افراد در صورت کاهشی بودن قیمت ارز در روز بعد به دلیل فروش در روز قبل متحمل ضرر نمی‌شوند زیرا قبل از کاهش قیمت نوسانی ایشان موفق به فروش مال موردنظر داشته‌اند. در فرض افزایش قیمت نیز ایشان همچنان بخشی از دارایی ارزی خود را حفظ می‌نمایند که در صورت افزایشی بودن قیمت ارزهای خارجی ایشان متحمل خسارت نشوند. دسته دوم: خریداران ارزهای خارجی و فردایی می‌باشند. این افراد به‌نوعی از طریق معاملات فردایی اقدام به پیش‌خرید مال موردنظر می‌نمایند و طبیعتاً از نوسان قیمت، کم رنج می‌برند. دسته سوم: تحلیلگران نوسانات بازار ارز می‌باشند که معمولاً با نوسان‌گیری و پیش‌بینی سعی در خرید یا فروش به‌موقع داشته و معمولاً این دسته نیز از فرآیند معاملات فردایی ارز سود به دست می‌آورند.

۱-۱. عناصر و ماهیت حقوقی معاملات فردایی ارز

در ارتباط با عناصر و ماهیت حقوقی معاملات فردایی ارز در نظام حقوقی ایران، سه محور اساسی و مستقل حائز اهمیت می‌باشند که در ادامه به تفکیک مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

محور اول: شامل ارزیابی معاملات فردایی از منظر اصل «حاکمیت اراده در حقوق قراردادها» می‌باشد.

محور دوم: معاملات فردایی ارز از منظر خصوصیت «قماری» و «نوسانی» بودن.

محور سوم: معاملات فردایی ارز از منظر «شفافیت و شناسایی منشأ».

۱-۲. معاملات فردایی ارز از منظر حاکمیت اراده

قانون اساسی به‌عنوان یک قاعده بالادستی و زیربنایی در نظام حقوقی ایران به‌صورت مکتوب نقش‌آفرینی کرده به نحوی که کلیه قواعد و قوانین دیگر، اعتبار خود را از آن اخذ می‌نمایند. یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین برای انسان در نظام حقوق اساسی، تضمین حقوق و آزادی‌های بنیادین انسانی از جمله حق بر آزادی قراردادی یا همان حاکمیت اراده است. به‌ویژه آنکه در مقام امور اقتصادی و تنظیم معیارهای آن، نسبت بین حاکمیت و حقوق اشخاص جاری است و اگر قانون اساسی نتواند آزادی‌های مشروع مردمان یک جامعه را در مقابل قدرت حاکم تضمین نماید، جامعه با بحران‌های متعددی روبه‌رو خواهد شد. به همین دلیل است که لازمه برقراری نظم حقوقی نیز تسلط امری به نام حاکمیت قانون بر تمام جنبه‌های یک زندگی اجتماعی و تابعان حقوق من‌جمله حکومت‌ها می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۴۸۰). با این حال حاکمیت اراده مفهومی مدرن است که نظام حقوق اساسی ایران از ابتدای نظام مشروطه آن را پذیرفته و درک نموده است و در قانون مدنی ایران در موادی همچون ماده ۱۰ و ماده ۹۵۷ مورد شناسایی قرار گرفته است.

در مقام تشریح آزادی اراده در حقوق قراردادها و معاملات خصوصی، مبتنی بر نظام حقوق تعهدات غرب، طرفین دارای اهلیت، در انعقاد عقد آزادند و می‌توانند هر نوع تعهدی را که بخواهند در مقابل یکدیگر قبول نمایند. این آزادی تنها توسط قانون (نظم عمومی یا اخلاق حسنه) مقید خواهد بود. قانون خود برآمده از اراده افراد در سطحی بالاتر است. اخلاق نیز مقوله‌ای ناشی از اراده افراد در سطح جامعه و عرف بوده و مقوله‌ای نسبی است؛ به عبارتی افراد برای ایجاد تعهد به هر نحوی که خود بخواهند آزادی مطلق دارند مگر آن که قانون فرم خاصی را لازم بشمرد یا موضوع تعهد خلاف قانون باشد. تعهد در واقع صورت ابراز شده اراده است، تعهد قدرت الزام و اقتدار خود را از اراده می‌گیرد (لئوبون^۱، ۱۸۶۲). در نظام قانون اساسی ایران، اصل حاکمیت اراده به‌نوعی در راستای محدود نمودن اراده قدرت و حاکمیت سیاسی در تنظیم چهارچوب توافقات اشخاص بنا گردیده است اما در کنار آن و همسوی با آن برای دولت در جهت تنظیم استانداردهایی جهت مراقبت و تضمین اخلاق حسنه در امور اقتصادی نیز جواز صادر شده است. از سوی دیگر کشورهای اسلامی همواره با مسئله تطابق قوانین با موازین فقهی و شرعی روبه‌رو می‌باشند. در ایران نیز مطابق با اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق و عموم همه قوانین حکومت دارد. با این حال حقوقدانان و صاحب‌نظران در کشورهای اسلامی نظرات متفاوتی در مورد حاکمیت اراده مشروعیت و اعتبار معاملات فردایی از منظر فقهی دارند (کریمی، ۱۴۰۱: ۲). رویکرد بانکداری پس از انقلاب اسلامی در ایران، تطبیق معیارهای بانکداری نوین با موازین فقه اسلامی است. بر اساس همین رویکرد، بند ۱۲ اصل سوم از قانون اساسی نقش بانکداری در نظام حقوقی و اقتصادی این‌چنین بیان گردیده است: «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه». به‌تبع این اصل و تأکید بر نظام بانکداری منصفانه و اسلامی، مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت موظف است: «ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد».

۱-۲-۱. ویژگی قماری بودن

معاملات فردایی ارز به‌واسطه برخی از آثار سوء بر نظام اقتصادی، در طیف رویکردهای جرم‌شناختی اقتصادی قرار می‌گیرد. در این راستا باید دانست که: ماهیت جرائم اقتصادی و حقوق کیفری مرتبط با آن مبتنی بر دو رسالت عمده دنبال می‌گردد:

¹ Léobon

۱) حمایت از منافع خصوصی افراد. ۲) مدیریت اداره اقتصاد کشور (تضمین منافع عمومی و امنیت اقتصادی پایدار). از نظر لغوی، واژه قمار به معنای چیزی است که مانند قمر (ماه) گاه کم و گاه زیاد می‌شود (ابن منظور، ۱۹۹۵: ۱۱۳) و این مفهوم به‌طور ویژه با احتمالات موجود در عملیات قمار مانند بازی و یا شرط‌بندی که در آن احتمال افزایش دارایی و یا کاهش آن موجود است، انطباق داشته و به همین جهت به‌صورت تاریخی لفظ قمار بر درآمد حاصل از «احتمال» بار گردیده است. قمار دارای آثار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متعددی است. در این خصوص از نظر فقهی، قمار از مصادیق «اکل مال به باطل» به شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۴۳). از طرف دیگر زمانی که قمار برای فرد انسان به شکل یک رفتار پایدار و ثابت تجلی پیدا می‌کند، می‌تواند خود مولود جرائم دیگری باشد که فرد برای تداوم ثبات قمار و منافع مالی از آن مجبور به ارتکاب آن می‌شود مانند حمل و جابجایی مواد مخدر، سرقت، کلاهبرداری. از طرف دیگر در یک نگاه کلی‌تر، قمار زمینه‌ای برای پولشویی توسط گروه‌های مافیایی و مجرمان سازمان‌یافته فراهم می‌کند تا منابع اموال نامشروع خود را در پوشش قمار پنهان نمایند (صبوری پور و ترکاشوند، ۱۳۹۷). از این رو پدیده قمار تنها یک امر تشریعی صرف نمی‌باشد بلکه عملیات مرتبط با آن می‌تواند آثار متعدد سوء اجتماعی و اقتصادی را به همراه خود بیاورد.

معاملات فردایی با خصوصیات موجود در امر شرط‌بندی، احتمال، شانس و قمار سازگار است زیرا در این‌گونه معاملات هیچ‌گونه فعالیت تخصصی و یدی اقتصادی انجام نمی‌شود و فقط بر اساس متغیری احتمالی و شانسی شرط‌بندی انجام می‌شود. در منابع فقهی قمار به دو شیوه بیان می‌شود، مورد اول زمانی است که قمار با ابزار آلات مخصوص اتفاق می‌افتد، به آن در فقه اسلامی آلات قمار گفته می‌شود؛ اما در جای دیگر از آلات قمار استفاده نشده و به آن شرط‌بندی مراهنه گفته می‌شود. در معاملات فردایی ارز و سکه ما آلات اختصاصی قمار را نداریم، چون ارز و سکه آلات اختصاصی قمار نیستند و آلات مشترک هم حساب نمی‌شوند و لذا در اینجا نوع دوم قمار اتفاق افتاده که بر اساس آن هر نوع معامله همراه با شرط‌بندی نوعی قمار محسوب می‌شود و شبهه قمار در رابطه با این نوع معاملات بسیار جدی است. تصمیم بسیاری از فعالان در این بازار وابسته به شانس و تصادف است و فرمول دقیق و معینی بر آن بار نمی‌شود. اشخاصی که با محاسبه اقدام می‌کنند نسبت به درجه تأثیر معیارهای پیش‌بینی نشده‌ای که ممکن است بر معامله حاکم شود، آگاه هستند. لذا با هدف کسب سود و پذیرفتن ریسک ضررهای احتمالی در این معامله ریسکی وارد می‌شوند، از این حیث عمل آنها مشابه قماربازان است (فرخی کاشانی و عرب مازار، ۱۳۹۲: ۲۴۷-۲۵۰).

۱-۲-۲. معاملات فردایی ارز از منظر شفافیت و شناسایی منشأ

با تغییر مدل‌های داد و ستد جمعی در عصر حاضر و تمایل نسبت به استفاده از گستره تجارت بین‌الملل در سال‌های آینده، اکثر کشورها در زمینه تسهیل تجارت با چالش‌های زیادی مواجه خواهند شد. گمرک در سطح جهانی به‌صورت شبکه‌ای خواهد شد، محدودیت‌ها و تضاد در رویه گمرکی به حداقل می‌رسد و استانداردهای یکسان جایگزین آن می‌گردد، به‌ویژه آنکه این دسته از رویه‌ها به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شوند و قابلیت همکاری بین بازرگانان به‌شدت افزایش خواهد یافت. این تغییرات قریب‌الوقوع بر اساس اصل اساسی شفافیت^۱ در قوانین ارائه اطلاعات و شفافیت رویه‌های تجدیدنظر (گمرک، مقامات ملی و دادگاه‌ها) قوام پیدا خواهند نمود. علیرغم آنکه توافق بر امر شفافیت به‌ویژه در امر داد و ستد کالا و خدمات، نقل و انتقال وجوه معاملاتی و نیز تحصیل مالکیت مشروع روبه افزایش است، اما همچنان در تعریف شفافیت نزد پژوهشگران و صاحب‌نظران اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال تعریف اصل شفافیت از دید سازمان شفافیت بین‌المللی عبارت است از: «اصلی که به افراد متأثر از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و فعالیت‌های خیریه، امکان آگاهی از حقایق، ارقام، فرآیندها و مکانیسم‌های اصلی و بنیادین را می‌دهد. بر اساس اصل مذکور، مستخدمین دولتی، مدیران و متولیان، باید به شیوه‌ای آشکار و قابل‌رویت، قابل پیش‌بینی و قابل‌درک عمل نمایند» (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۵۱). ملاحظه می‌شود که در گام اول اصل شفافیت ناظر بر رفتار و عمل کارکنان و

¹ Principle of Transparency

کارمندان دولتی بنا شده است و این در حالی است که گستره عملکرد و فعالیت اقتصادی به‌طور جدی شامل رفتار و عملکرد صاحبان سرمایه خصوصی می‌باشد.

در ارتباط بین اصل شفافیت و معاملات فردایی ارز باید گفت که: معاملات فردایی ارز به دلیل غیررسمی بودن، نبود قرارداد مکتوب و فقدان چارچوب قانونی و ثبت رسمی، عملاً از وضعیت شفافیت برخوردار نمی‌باشد و به همین دلیل بستر برای نقض ارزش‌های مربوط به شفافیت و شناسایی منشأ سرمایه و درآمد در آن بسیار مناسب خواهد بود. به همین دلیل است که نظام بانکی ایران اساساً معاملات فردایی ارز را به دلیل عدم شفافیت در منشأ و نیز ردیابی اقتصادی و نظارت مستمر بر آن مردود دانسته و ناقض اصول بنیادین شفافیت می‌داند. قانون مدنی ایران طی مواد ۲۱۴ الی ۲۱۶ شرایط مورد معامله را بیان داشته و بر اساس قواعد عمومی قراردادها، صحت معامله موقوف به معلوم و تفصیلی بودن موضوع معامله است به نحوی که حتی اگر موضوع معامله در هنگام انعقاد قرارداد برای یک طرف مجهول یا نامشخص باشد، قرارداد صحت خود را از دست خواهد داد. این وضعیت می‌تواند حتی در خصوص منافع و مزیت‌های مرتبط با معامله مزبور نیز سرایت نموده و چنانچه مزیت مرتبط با معامله مشخص و معین نباشد، وضعیت غرر بر معامله مزبور واقع شده و این امر صحت معامله را از بین خواهد برد.

یکی از مهم‌ترین خصوصیات مربوط به موضوع معامله که در قانون مدنی مورد تأکید قرار گرفته است عبارت است از «عقلانی بودن» موضوع و مزیت‌های متقابل آن می‌باشد. مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون مدنی بر لزوم وصف معامله تأکید ورزیده‌اند.

بنابراین ملاحظه می‌شود عدم شفافیت در موضوع و منافع مرتبط با معامله، وضعیت معامله را قمار و احتمالی می‌سازد. در واقع قانون‌گذار ملی در جهت پیشگیری از ورود بخت و اقبال به ساحت معاملات، از وضعیت غرری بودن دفاع ننموده و آن را از موجبات بطلان قرارداد لحاظ نموده است. البته باید دانست که در معاملاتی که مبتنی بر مغایره نیستند علم اجمالی برای صحت عقد کافی است؛ برای نمونه می‌توان به مقررات عقد ضمان ماده ۶۹۴ قانون مدنی، عقد صلح موضوع ماده ۷۶۶ قانون مدنی و عقد جعاله موضوع ماده ۵۶۳ قانون مدنی اشاره نمود. البته در این عقود نیز اگر مورد معامله به کلی مجهول باشد، باطل خواهند بود (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۱).

۲. جرم اقتصادی

جرم و جنایت بیانگر یک رویداد پیچیده جرم‌شناسی و حقوقی است که در جامعه معاصر با توسعه اقتصاد به سرعت گسترش یافته است. در رابطه با مفهوم جرم اقتصادی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. تعیین و تعریف جرم اقتصادی یک موضوع بسیار پیچیده، هم در قلمرو ملی کشورها است و هم در قلمرو بین‌الملل. مبتنی بر مطالعات جرم‌شناختی، جرم اقتصادی محصول تحول در زیست اجتماعی انسان و خروج وی از زندگی روستائینی به زیست شهروندی است که لازمه بقای در آن کار کردن، کسب درآمد و خرید کالا یا خدمات بوده است. به همین دلیل جرم‌شناسی اقتصادی تلاشی جهت برقراری ثبات و امنیت در جامعه، تضمین سنت‌ها، ارزش‌های دموکراتیک، اخلاق، عدالت و ضرورت پاسخگو بودن دولت در مقابل افکار عمومی بوده است. با این حال تاریخچه شکل‌گیری این مفهوم برای اولین بار به سال ۱۹۰۵ میلادی بازمی‌گردد جایی که بنگر^۱، پژوهشگر و صاحب‌نظر هلندی، جرم اقتصادی را وابسته به جرائم تجار و بازرگانان دانسته و آن را در مقابل جرائم موسوم به «جرم خیابانی» تفسیر نموده است. رویکرد بنگر نسبت به جرائم اقتصادی، رویکردی غیرسیاسی بود به نحوی که وقوع جرائم اقتصادی را در قلمروی خارج از اراده حاکمیت‌ها دانسته و بیش از آنکه دلایل وقوع آن را در قدرت سیاسی دنبال نماید، وقوع آن را به زیاده‌خواهی و میل به چپاول از سوی صاحبان سرمایه غیردولتی (خصوصی) متصف می‌دانست و این در حالی است که جرم اقتصادی از منظر ساترلند به جرائم «یقه سفیدان» تعبیر شده است که به‌طور جدی وقوع این جرائم را در قلمرو اعمال اراده دولتی یا ترک فعل مقامات حاکمیتی در نظر می‌گیرد؛ اما رویکرد میانی در دسته‌بندی جرائم اقتصادی به‌ویژه در ادبیات حقوقی

¹ Bongers

فرانسه تحت عنوان «جرائم حوزه کسب و کار»^۱ مطرح شده و منظور از آن نیز مجموعه قواعد ناظر بر تضمین امنیت معامله و تلاش برای حاکم کردن قانون به‌ویژه نسبت به اشخاصی است که بعضاً تمایل به نقض آن دارند، یا پاره‌ای موارد، جرائمی هستند مربوط به حوزه تولید، توزیع و مصرف. این رویکرد دربردارنده جرائم ساختار اقتصادی بر علیه حوزه رقابت و مبادلات شفاف تجاری سازمان یافته است. از این رو همسوی با توسعه اقتصادی نیمه دوم قرن بیستم و گسترش کسب و کارهای عمده در بازار جهانی، جرم اقتصادی بر علیه رقابت سالم، شفاف و پایدار قوام یافته و دنبال گردیده است. مبتنی بر همین رویکرد، یکی از نویسندگان در سال ۱۹۹۶ جرم اقتصادی را اقدام مجرمانه‌ای دانست که ضمن لطمه به اصل اعتماد، نظم جاری حوزه کسب و کار را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد (ساترلند^۲، ۱۹۷۰؛ بونیک^۳، ۱۹۹۶: ۱۸).

مبتنی بر یک مطالعه تطبیقی، جرائم اقتصادی، همان‌طور که در توصیه شورای اروپا R 81(12) در سال (۱۹۸۵، CoE) تعریف شده است، برای دهه‌ها یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع اروپایی بوده است. این توصیه بر این فرض استوار است که جرائم اقتصادی باعث از بین رفتن درآمد عمومی، تأثیر منفی بر جامعه به‌طور کلی و تغییر شکل اقتصاد ملی یا بین‌المللی و همچنین تضعیف اعتماد به سیستم اقتصادی می‌شود. این امر همچنین به دموکراسی، حاکمیت قانون، حقوق بشر و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آسیب می‌رساند (پروژه منطقه‌ای کارپو^۴، ۲۰۰۶: ۵۰). جرائم اقتصادی اغلب به‌عنوان یک اقدام هماهنگ مستمر بین بنگاه‌های مختلف اقتصادی مطرح می‌شود که با زیر پا گذاشتن قانون به منافع دست می‌یابند و هدفشان «تصرف» قدرت سیاسی با تمرکز بر اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری‌های کلان است. ایجاد بنگاه یا مؤسسه متقلبانه در داخل یا خارج از کشور با هدف کتمان مسئولیت‌های مالیاتی، دستکاری برات و اوراق بهادار، استفاده از انواع حق بیمه صادراتی، قاچاق کالاهای مختلف، فرار مالیاتی و گمرکی از قبیل واردات غیرقانونی مشتقات نفتی و مشروبات الکلی است (گاشی^۵، ۲۰۲۳: ۶۴). با این تفاسیر می‌توان جرائم اقتصادی را به دو دسته عمده تقسیم نمود:

دسته اول: جرائم اقتصادی علیه مقررات دولتی - به عبارت دیگر فعالیت‌های مجرمانه علیه اقتصاد دولتی مانند (بانک‌ها، بازارهای مالی، اصل رقابت)، بودجه عمومی مانند (مالیات، گمرک و نهادهای نظارتی دولتی)، حمایت از مصرف‌کننده و محیط‌زیست.

دسته دوم: جرائم حوزه کسب و کار و تجارت - یعنی مجموعه جرائم ارتكابی دنیای کسب و کار و تجارت که معمولاً توسط صاحبان حرفه‌های تخصصی و از طریق نقض قانون در روابط تجاری مانند رویه‌های ضد رقابتی، سوءاستفاده از اعتماد، حسن نیت و... ارتکاب می‌یابد (کوئلوزو همکاران^۶، ۲۰۰۰: ۱۷).

۲-۱. منابع حقوقی جرم اقتصادی

جرم اقتصادی در نظام حقوقی ایران از دو ظرفیت مستقل تأثیر می‌پذیرد: ۱. منابع حقوقی و قانونی داخلی: که مشخصاً فعالیت‌های اقتصادی اشخاص را بر اساس حفظ منافع و امنیت شخص دنبال می‌نماید که این دسته از قوانین هم شامل قوانین پیش از انقلاب اسلامی در ایران است و هم شامل قوانین مصوب پس از انقلاب اسلامی. ۲. منابع حقوقی بین‌المللی: که در جهت حفظ امنیت اقتصادی جامعه انسانی و معیارهای مربوط به توسعه پایدار، مبارزه با عملیات پولشویی و تأمین مالی تروریسم گسترش یافته است که به برخی از آنها به شرح ذیل اشاره می‌نماییم:

○ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

¹ Business Crimes, Corporate Crimes /Les Délits D'affaires

² Sutherland

³ Bunic

⁴ Carpo Regional Project

⁵ Gashi

⁶ Queloz et al

- قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸.
- مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان اسکناس مجعول.
- قانون مجازات مرتکبان قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی.
- قانون مجازات اسلامی و تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵).
- قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها.
- قانون مربوط به رسیدگی به دارایی وزرا و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آنها مصوب ۱۳۳۷.
- قانون ممنوعیت دریافت پورسانت در معاملات خارجی، مصوب ۱۳۷۲.
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، مورخ ۱۳۸۵.
- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی مصوب ۱۳۱۵.
- قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷.
- قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷.
- قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحی ۱۳۸۴.

۲-۲. انگیزه در جرائم اقتصادی

در وقوع جرم اقتصادی، معمولاً انگیزه جرم بر شیوه وقوع آن یا عنصر مادی تأثیر مستقیم می‌گذارد. این رویکرد به جرم اقتصادی به‌عنوان عمل غیرقانونی اشاره دارد که در آن انگیزه اصلی مجرم برای ارتکاب جرم، منفعت اقتصادی است. از این منظر، جرم اقتصادی به‌عنوان جرمی تلقی می‌شود که در آن فرد یا گروهی از افراد عمداً به شیوه‌ای غیرقانونی برای کسب بازده مالی بالا اقدام می‌کنند. در حال حاضر در نظام حقوقی ایران عناوین مجرمانه متعددی در قلمرو قوانین کیفری کشور وجود دارند که بخش قابل توجهی از آنها بر مصادیق جرائم اقتصادی استوار می‌باشند که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. قاچاق کالا و ارز ۲. پولشویی ۳. احتکار ۴. ربا و رباخواری ۵. اخلال در نظام پولی و ارزی کشور ۶. اخلال در نظام صادراتی کشور ۷. تشکیل شرکت‌های حرمی ۸. جرائم مالیاتی ۹. تخلف از قانون و تحصیل مال از طریق نامشروع ۱۰. تبانی در معاملات و قراردادهای. با این حال، این نظریه از این فرض مهم اثر می‌پذیرد که انگیزه مجرم همیشه از خود عمل مجرمانه قابل مشاهده است، با این حال جرم اقتصادی دارای مفهومی گسترده‌تر از جرائم مرتبط با کسب و کار است. همین گستردگی موجب شده تا جرائم اقتصادی ویژگی‌هایی به این شرح داشته باشد:

۱. در قالب تجارت و فعالیت‌های حرفه‌ای به‌طور عمده عاملان به دنبال سود است ۲. به‌صورت یک مجموعه یا سیستم منسجم و سازمان‌یافته رفتار می‌کند ۳. باید با استفاده از فعالیت‌های تجاری، صنعتی و فنی، قانونی و حرفه‌ای صورت بگیرد ۴. مرتکبین به‌طور کلی و نه الزماً از یک موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی یا هردو برخوردارند (خوزه ریکو^۱، ۲۰۱۲: ۲۱). باید دانست که برخی از جرائم ممکن است اساساً از انگیزه‌های متعددی برخوردار بوده و سود اقتصادی ممکن است در آن هدف ثانویه باشد. علاوه بر این، مجرمان در برخی موارد از انگیزه‌های خود آگاه نیستند، بنابراین ممکن است قادر به تشخیص دلایل اعمال خود و همچنین توجیه یا منطقی بودن آنها نباشند؛ اما آنچه که در تمامی مصادیق وقوع جرم اقتصادی مشترک است، تمایل به توسل بر روش‌هایی از کسب منافع اقتصادی است که منشأ آن قابل اختفا یا کتمان باشد تا از طریق آن دولت نتواند به‌طور مشخص فرد مجرم یا متهم را مورد شناسایی قرار بدهد؛ بنابراین مجرمان اقتصادی ثروت‌های خود را در جاهایی سرمایه‌گذاری

¹ Jose Rico

می‌کنند که هم سود بیشتری عایدشان شود و هم امکان فرار قانونی وجود داشته باشد (معتمدی و مستوفی، ۱۳۸۸: ۹۷-۹۸). یکی از مهم‌ترین دلایلی که وقوع جرم اقتصادی می‌تواند امنیت اقتصادی جامعه را با تهدید جدی روبه‌رو سازد این است که اساس وقوع آن بر پنهان‌سازی منشأ یا منابعی است که فرد به واسطه آنها توانسته است به میزان بالاتری از درآمد یا ثروت دست یابد. این عنصر معنوی وقوع جرم اقتصادی باعث می‌شود که روش‌های نوینی در امر تعاملات اقتصادی بین اشخاص شکل گیرد که در آن یا نظارت دولتی به حداقل رسیده باشد و یا به کل خارج از نظامات نظارتی دولت یا دستگاه قضائی انجام شود. یکی از روش‌های زمینه‌ساز وقوع جرم اقتصادی، انجام معاملاتی است که از شفافیت حداقلی، نامشخص بودن جهت معامله یا به کل نامشروع بودن موضوع برخوردار می‌باشند. در نتیجه قربانیان جرائم اقتصادی نه تنها کسانی هستند که به طور مستقیم از این گونه جرائم آسیب می‌بینند مانند اشخاص حقوقی اقتصادی یا دولت، بلکه مردم به عنوان مشتریان در موارد دستکاری در قیمت، کیفیت پایین محصول یا خدمات و حتی محیط‌زیست، به طور غیرمستقیم قربانی جرائم اقتصادی هستند و فرار مالیاتی نیز منجر به کسری درآمد دولت شده و با تضعیف دولت در ارائه خدمات، اثر غیرمستقیم بر مردم می‌گذارد (شاینوست و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۲).

۲-۳. رویکرد شکلی به وقوع جرم اقتصادی

جرائم اقتصادی را بایستی از دو رویکرد متفاوت مورد ارزیابی و طبقه‌بندی قرارداد. حالت اول: به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن وقوع جرم اقتصادی به نفع مقاصد تجاری و اقتصادی یک شخص خاص صورت می‌پذیرد مانند حالتی که در آن تجار و یا بازرگانان برای کسب منافع اقتصادی بیشتر از پرداخت مالیات خود اجتناب نموده و یا به اختفای منشأ اموال و دارایی می‌پردازند که در اختیار ایشان قرار دارد. حالت دوم: به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن عملیات جرم اقتصادی در قالب یک شبکه و برای انتفاع یک سیستم مبتنی بر سلسله‌مراتب انجام گرفته و بی‌آنکه مرتکبین به طور مستقیم از منافع آن بهره‌مند شوند، گردش مالی در یک مجموعه و سیستم صورت می‌پذیرد و افراد به طور با واسطه از امتیازات جرم مزبور بهره‌مند خواهند شد. در هر دو نوع جرم، عمل فیزیکی برای به دست آوردن سود مال یا منفعت شغلی انجام می‌گیرد (بلک و گارنر^۲، ۲۰۰۹: ۱۴).

در قبال جرم اقتصادی می‌توان دو تفسیر مستقل ارائه نمود.

رویکرد اول: تفسیر موسع که مبتنی بر آن کلیه جرائمی که می‌توانند جنبه اقتصادی یا مالی داشته باشند به نحوی که بر امر داد و ستد، اعتماد عمومی به بانکداری ملی، اقتصاد کشور و یا ثبات قیمت‌ها اثر منفی و مخرب داشته باشند اعم از اینکه در قانونی خاص پیش‌بینی شده باشند و یا آنکه به صورت پراکنده در سایر قوانین قابل ملاحظه قرار گیرند. طرفداران تفسیر موسع از جرم اقتصادی درصدد آن هستند که موارد و بسترهای متعددی را در چهارچوب جرم انگاری اقتصادی قرار بدهند.

مبتنی بر تفسیر موسع از جرم اقتصادی، شرایط فردی نیز در وضعیت جرم ارتكابی حائز اهمیت است. اینکه آیا فردی که مرتکب جرم خاصی می‌شود اغلب به شرایطی که فرد در حال حاضر در آن قرار دارد، شیوه زندگی او تاکنون، شرایط شخصی و خانوادگی، سلامتی، وضعیت مالی و عاطفی و همچنین عوامل اقتصادی کلان در جامعه، جریان عرف محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند بستگی پیدا می‌کند. از این رو وقتی فرد بی‌آنکه اساساً مشغول به داد و ستد ارز باشد، به دلیل تورم و با هدف حفظ ارزش دارایی خویش به معاملات فردایی ارز روی می‌آورد در واقع در بستر شرایط پیرامونی است که مرتکب این عمل می‌گردد؛ بنابراین، رفتار مجرمانه فردی و گروهی، در هر حوزه‌ای، به‌طور کلی می‌تواند «به‌عنوان شدیدترین شکل انحراف اجتماعی تعریف شود.

رویکرد دوم: تفسیر مضیق در قبال جرم اقتصادی دربردارنده این مفهوم است که جرم اقتصادی تنها به پارامترهای نوعاً اقتصادی و مالی از جمله وضعیت دستورالعمل‌های صادره از بانک مرکزی، قواعد و هنجارهای عرفی در تعاملات مالی و

¹ Scheinost et al

² Black & Garner

سیاست‌گذاری‌های دولت در قبال عملیات اقتصادی، پولی و مالیاتی دلالت دارد. از این رو در تفسیر مضیق از جرم اقتصادی دو عنصر اساسی مطرح است: اول «قانونی بودن عملیات اقتصادی یا ویژگی شفافیت داشتن» و دوم «پرداخت دقیق مالیات همراه با مبارزه با پولشویی». از این رو با دقت نظر در عنصر شفافیت و پیشگیری از پولشویی، جرم اقتصادی مبتنی بر تفسیر مضیق مورد ارزیابی و تحلیل واقع می‌گردد. ملاحظه می‌شود که رویکرد دوم می‌تواند به صورت دقیق و مستقیم با عملیات مربوط به معاملات فردایی ارز تطبیق یافته و منشأ رویکرد قضائی در قبال این عملیات واقع شود. از این رو در پژوهش حاضر، مبنای شناسایی رویکرد موجود در قلمرو عملیات حقوقی و اقتصادی در خصوص جرم اقتصادی و به تبع آن شناسایی آرای صادره در این خصوص بر مدار عنصر شفافیت و مبارزه با پولشویی دنبال خواهد شد.

۳. نسبت معاملات فردایی در نقض شفافیت و تقویت پولشویی

یکی از جلوه‌های وقوع جرم اقتصادی به واسطه عملیات مربوط به معاملات فردایی ارز که به دلیل عدم شفافیت، عدم شناسایی منشأ، عدم قطعیت موضوع و عدم قطعیت در قبال ارزش معامله، در قالب جرم پولشویی تجلی می‌یابد از این رو عملیات فردایی ارز می‌تواند به طور جدی بر تقویت پولشویی در نظام اقتصادی کمک نماید. در بحث این ارتباط یکی کلیدواژه‌های میان‌رشته‌ای حقوق و اقتصاد که بر ضرورت‌های پیشگیری از وقوع جرم پولشویی کمک می‌نماید عبارت است از امر گزارش دهی در خصوص «معاملات مشکوک»^۱. تولید، تأکید و اعمال گزارش دهی در خصوص معاملات مشکوک به تأکيدات و دستورالعمل‌های صادره از سوی اف ای تی اف^۲ باز می‌گردد که به مثابه یک نهاد سیاست‌گذار بین‌المللی در صدد نظارت و تقویت اراده سیاسی لازم جهت اصلاحات قانونی به منظور پیشگیری و مبارزه با پولشویی تلاش می‌نماید. به طور کلی تراکنش یا معامله مشکوک وضعیتی است که یک معامله یا تراکنش از حالت معاملات و تراکنش‌های معمول منحرف شده و به موجب دلایل و قرائن منطقی، ظن ایجاد گردد که وجوه مربوطه حاصل از یک جرم منشأ می‌باشند یا به فعالیت‌های تروریستی مرتبط هستند (DBH، ۲۰۱۶: ۱). البته باید دانست که پولشویی به عنوان جرمی تبعی و ثانویه، متعاقب یک یا چند جرم اصلی و به منظور تطهیر عواید حاصل از آن جرم یا جرائم منشأ ارتکاب می‌یابد. از این رو ملاحظه می‌شود که معاملات فردایی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت پنهان نمودن منشأ معاملات مشکوک به لایه چینی متعدد انجامیده و از این طریق شناسایی درآمد نامشروع را خنثی نماید.

معاملات و عملیات مشکوک مطابق بند (چ) ماده ۱ قانون اصلاح قانون مبارزه با پولشویی هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که بر اساس قرائن و اوضاع و احوالی ظن وقوع جرم ایجاد می‌نماید، مانند معاملات و عملیات مالی بیش از سطح فعالیت مورد انتظار مشتری به میزان فاحش یا معاملاتی که صوری بوده و شخص دیگری مالک است. پولشویی معمولاً در سه مرحله انجام می‌شود:

۱. جایابی^۴: وجوهی که به طور غیرقانونی به دست آمده‌اند، اغلب از طریق بانک‌ها یا مشاغل به سیستم مالی وارد می‌شوند.
۲. لایه‌بندی^۵: وجوه از طریق تراکنش‌های مختلف جابه‌جا می‌شوند تا مبدأ یا منشأ آنها پنهان شود که می‌توان با خرید دارایی‌هایی با ارزش بالا که ممکن است خریداری شود، انجام گردد^۶.
۳. یکپارچه‌سازی^۱: پول شسته شده دوباره به اقتصاد وارد می‌شود و به عنوان درآمد یا دارایی مشروع ظاهر می‌گردد. این سه مرحله ممکن است لزوماً از یک ساختار صلب و بدون انحراف پیروی نکنند. با تغییرات اخیر ناشی از فناوری، جهان احتمالاً رویکردهای جدیدی را برای پولشویی تجربه خواهد کرد که به احتمال زیاد مدل‌های از پیش تعیین شده را شکست می‌دهد.

^۱ Suspicious Transactions Reporting (STR)

^۲ Financial Action Task Force (FATF)

^۳ Delta Brac Housing

^۴ Placement

^۵ Layering

^۶ توسط پروکسی برای پنهان کردن هویت شویی در معامله.

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های وقوع جرم پولشویی مبتنی بر عملیات معاملات فردایی ارز که به‌طور جدی می‌تواند نظام اقتصادی و نظام قضائی یک کشور را تحت تأثیر خود قرار بدهد بر دو محور مهم استوار است:

۱. عدم استفاده از پلتفرم‌های نظام بانکی کشور در عملیات نقل و انتقال وجه.

۲. عدم مکتوب سازی قراردادهای و توافقات مالی میان کاربران اقتصادی.

ملاحظه می‌شود که هر دو عنصر در خصوص معاملات فردایی مشهود است و کاربران معاملات فردایی ارز از طریق پیوستن به گروه‌های مجازی مربوط به معاملات فردایی بی‌آنکه از قراردادی مکتوب بهره‌مند بوده و یا از پلتفرم‌های بانکی و رسمی استفاده نمایند به داد و ستد فردایی ارز مبادرت می‌ورزند. در نتیجه عملاً از این طریق، امکان وقوع پولشویی را تقویت می‌نمایند.

۳-۱. جنبه غرری بودن و نقض شفافیت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مرتبط با نقض شفافیت به‌ویژه در معاملات فردایی ارز، تطبیق آن با وضعیت غرر^۱ است. غرری بودن از اوصاف مشترک در ادبیات حقوقی و فقهی است که در شناسایی، قطعیت و شفافیت در موضوع معامله تأثیرگذار می‌باشد. از نظر فقه شیعه عواملی می‌توانند منجر به بطلان معاملات گردند که یکی از این عوامل، غرری بودن معامله است که ریشه در نهی پیامبر از «بیع الغرر» دارد (طائی، ۱۴۰۶ ق: ۸۶). غرر در لغت به معنی «مانند خطر» آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۴۶)؛ بنابراین همان‌طور که از مفهوم لغوی غرر برمی‌آید، این حالت دلالت بر وضعیتی دارد که خطر در آن محتمل است و از آنجایی که وضعیت پر خطر در قلمرو معاملات و یا تعاملات اقتصادی بر وقوع خسارت مالی یا عدم نفع منطقی استوار است می‌توان وضعیت غرر در معاملات را وقوع بالاترین میزان ریسک در معامله تلقی نمود.

یکی از مهم‌ترین اثرات حاصل از غرر در معاملات، تأثیر آن بر مورد معامله است. فقها که در متون فقهی از مورد معامله را با تعبیر «معقود علیه» یاد نموده‌اند در تعریف آن چنین بیان داشته‌اند که: «معقود علیه، هر چیزی است که تحصیل یا استیفای آن به‌وسیله عقد انجام می‌شود» (مکی عاملی، بی‌تا). بر این اساس مورد معامله در اصل نایستی میهم و یا مجهول باشد و این امر نیز تفاوتی در عینی یا دینی بودن آن نداشته به نحوی که قانون‌گذار ملی ایران در ماده ۲۱۴ قانون مدنی، مورد معامله را مال یا عملی دانسته است که طرف عقد، تعهد به تسلیم یا اجرای آن می‌نماید. حال در وضعیت غرر به دلیل آنکه اساساً منفعت و میزان آن مشخص نمی‌باشد و در بسیاری از موارد مانند معاملات فردایی احتمال یا شانس و اقبال در تعیین تعهد مرتبط با مورد معامله اثرگذار است، غرر به مجهول شدن مورد معامله می‌افزاید. با توجه به آنکه غرر در اصطلاح در جایی به کار می‌رود که بیع یا ثمن در بیع و عوض یا معوض در معاملات معاوضی در معرض خطر و ریسک قرار می‌گیرد (نجفی، ۱۳۶۵ ق: ۳۶۷)، بر حالت فریب و نیرنگ انجامیده و موجبات بطلان عقد را فراهم می‌آورد.

در خصوص تأثیر وضعیت غرر در معاملات و توافقات نوعاً مالی میان فقها اتفاق نظر وجود ندارد. در بحث این ارتباط می‌توان نظرات ایشان را به چهار دسته عمده به شرح زیر تقسیم نمود:

الف) مهم‌ترین خصوصیت مشروعیت یک معامله از سوی فقها، مقدور التسلیم بودن مورد معامله است. شهید اول (ره) معامله غرری را معامله‌ای می‌دانند که به دست آمدن موضوع معامله مجهول باشد و برای معاملات غرری معامله فروش کبوتر در آسمان یا ماهی در آب را مثال می‌زند. به نظر ایشان اگر کیفیت یا کمیت مورد معامله معلوم نباشد و مورد معامله مجهول باشد، مصداق معامله غرری نیست و به همین خاطر نتیجه می‌گیرند که رابطه میان معامله مجهول و معامله غرری عموم و خصوص من وجه است؛ به عبارت دیگر ممکن است مورد معامله مجهول باشد ولی به دلیل مقدور التسلیم بودن، آن معامله غرری به حساب نیاید. از

¹ Integration

² Risk-Taking

طرف دیگر ممکن است معامله معلوم ولی غیرقابل دسترسی باشد که معامله آن غرری است و نیز ممکن است مورد معامله هر دو وصف را دارا باشد یعنی مجهول و غیرمقدور التسليم باشد (طالب احمدی، ۱۳۸۰: ۲).

ب) فقها اسلامی بر معلوم بودن مورد معامله اجماع نموده‌اند و عقدی را که موضوع آن مجهول است باطل می‌دانند. اگر طرفین معامله به جنس مقدار و اوصاف موضوع معامله آگاه باشند، یعنی مورد معامله معلوم است. از نظر برخی علما مجهول بودن مورد معامله، موجب غرری شدن معامله می‌گردد. قانون مدنی ایران طی مواد ۲۱۴ الی ۲۱۶ شرایط مورد معامله را بیان داشته و بر اساس قواعد عمومی قراردادها، صحت معامله موکول به معلوم و تفصیلی بودن موضوع معامله است به نحوی که حتی اگر موضوع معامله در هنگام انعقاد قرارداد برای یک طرف مجهول یا نامشخص باشد، قرارداد صحت خود را از دست خواهد داد. این وضعیت می‌تواند حتی در خصوص منافع و مزیت‌های مرتبط با معامله مزبور نیز سرایت نموده و چنانچه مزیت مرتبط با معامله مشخص و معین نباشد، وضعیت غرر بر معامله مزبور واقع شده و این امر صحت معامله را از بین خواهد برد. یکی از مهم‌ترین خصوصیات مربوط به موضوع معامله که در قانون مدنی مورد تأکید قرار گرفته است عبارت است از «عقلانی بودن» موضوع و مزیت‌های متقابل آن می‌باشد. مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ قانون مدنی بر لزوم وصف معامله تأکید ورزیده‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت تحقق امنیت اقتصادی، پیشگیری از وقوع جرائم اقتصادی یک ضرورت غیرقابل‌انکار محسوب می‌گردد به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که دولت به‌واسطه تحریم‌های اقتصادی با چالش‌های جدی مانند نوسانات نرخ ارز مواجه می‌باشد. با توجه به مباحث مطروحه در پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که: نظام حقوقی ایران جرم اقتصادی را به‌عنوان طیف مهمی از جرائم بر علیه امنیت اقتصادی و نظم عمومی مورد شناسایی قرار داده است و در راستای آن قوانین و مقررات مهمی را به تصویب رسانیده است. در این میان معاملات فردایی ارز به دلیل غیرثابت بودن و ماهیت «احتمال‌گونه» که از آن برخوردار است به‌طور جدی می‌تواند در وقوع نوسانات نرخ ارز و در نتیجه وقوع خسارت‌های مالی گسترده بر پیکره امنیت اقتصادی عمومی تأثیرگذار باشد از این رو نظام حقوقی ایران با تأکید بر دو عنصر «قماری بودن» و «غرری بودن» معاملات فردایی، این نوع از معاملات را مؤثر در عدم شفافیت و تقویت جرم پولشویی دانسته و در نتیجه معاملات فردایی ارز را غیرقانونی قلمداد می‌نماید. معاملات فردایی به‌واسطه عدم تحویل موضوع و نامشخص بودن ارزش توافق می‌تواند زمینه را برای وقوع جرم پولشویی به‌صورت ثانویه فراهم آورده و از آنجایی که این عملیات بدون تنظیم قراردادی معین، صرفاً بر اساس احتمال افزایش یا کاهش قیمت ارز در روز آتی اجرا می‌شود بستر را برای نقض شفافیت در تعاملات اقتصادی تقویت نموده و به همین دلیل مبتنی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌عنوان جرم اقتصادی لحاظ گردیده است. از این رو رویکرد نظام حقوقی ایران از منظر جرم‌شناسی اقتصادی بر جرم انگاری معاملات فردایی ارز استوار می‌باشد.

۵. پیشنهادات پژوهشی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، شایسته است تحقیقات آینده با تمرکز بر مطالعات تطبیقی در نظام‌های حقوقی پیشرفته و نیز تحلیل ارتباط معاملات فردایی با پدیده‌هایی چون پول‌شویی و اخلال در بازار ارز ادامه یابد تا مبانی علمی و حقوقی جامع‌تری برای قانون‌گذاری فراهم شود. در مقام راهکار نیز می‌توان بر ایجاد بازار رسمی مشتقات ارزی تحت نظارت بانک مرکزی، تدوین مقررات شفاف و جامع برای تحدید یا سامان‌دهی این معاملات، تقویت سازوکارهای نظارتی و الکترونیکی و همچنین اعمال ضمانت اجراهای کیفی متناسب و بازدارنده تأکید کرد؛ امری که در مجموع می‌تواند به ارتقای شفافیت مالی و تحکیم ثبات اقتصادی کشور منجر گردد.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۵). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العرب.
- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). *تشکیل قراردادهای و تعهدات*. ج اول، تهران: نشر حقوق دانان.
- صبوری پور، مهدی و ترکاشوند، عرفانه (۱۳۹۷). *پولشویی در بستر بانکداری مجازی، در سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۰). تأثیر غرر در معاملات. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۷ (۱۹) (پیاپی ۳۳)، ۴۳-۵۵.
- طائی، احمد بن عامر (۱۴۰۶ ق). *صحیفه الامام الرضا*. مشهد: کنگره جهانی امام رضا ۷، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت، چ دوم.
- فرخی، زهرا و فرخی، فاطمه (۱۳۹۵). *مفاهیم مقدماتی و ارزش‌گذاری اوراق مشتقه با نگاهی اجمالی به وضعیت اوراق مشتقه در ایران*. تهران: انتشارات بورس وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). *دوره حقوق مدنی: عقود معین جلد اول: معاملات معوض، عقود تملیکی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عبدالصمد (۱۴۰۱). *بررسی مشروعیت و ماهیت معاملات فردایی در حقوق ایران*. هفتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام.
- محسنی، فرید (۱۳۹۲). *پیشگیری از فساد اداری با تأکید بر فناوری اطلاعات*. دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۱۸ (۶۱): ۱۳۹-۱۷۴.
- مشهدی زاده، علیرضا (۱۳۹۵). *بررسی حقوق قراردادهای آتی و اختیار در بازارهای نفت خام*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- معتمدی، هادی و مستوفی فر، فرزانه (۱۳۸۸). *قچاق انسان، چالش‌ها و راهکارهای پیشگیری*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- مکی عاملی، ابوعبدالله محمد (بی‌تا). *التواعد و الفوائد*، جلد دوم، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، قم: مکتبه المفید.
- میثمی، حسین و ندری، کامران (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی معاملات فردایی ارز و طراحی ابزارهای جایگزین در چهارچوب اسلامی*. پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵ ق). *جواهر الکلام*. جلد بیست و دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

References

- Black, H.C., & Garner, B.A. (2009). *Black's Law Dictionary*. ISBN: 0314199500, 9780314199508.
- Bonger, W. (2016). *Criminality and Economic Conditions*. Boston, Massachusetts: Little, Brown and Company, Translation of Criminalité et conditions économiques 1905, 1916.
- Bunic, D. (1996). *Criminalistique économique*. Tom 1, ISBN: 9782839906333.
- Carmo Regional Project. (2006). *Report on the State of Organized Crime and Economic Crime in South East Europe*, Strasbourg, August, 2005. pp. 50-51.
- DBH. (2016). *Procedure for Identification, Evaluation and Reporting of Suspicious Transaction & Suspicious Activity*. at: https://dbhfinance.com/downloads/STR_Reporting_Procedure.pdf.
- Farahidi, Kh.A. (1985). *Al-Ayn Book*. Makhzuni, M., & Samraei, E. Qom: Hejrat. (In Persian)
- Farokhi, Z., & Farokhi, F. (2016). *Basic concepts and valuation of derivatives (with a brief look at the situation of derivatives in Iran)*. Tehran: Borse (affiliated with Borse Information and Services Company). (In Persian)
- Gashi, R. (2023). *Organized Crime*. 46-47.
- Ibn Manzur, M.M. (1995). *Lisān al- 'Arab*. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al- 'Arabī, p. 113. (In Persian)
- Jose Rico. (2012). *Notes introductives a letude de la Criminalite des affaires*. Luniversite Dc Montereal, P12.
- Karimi, A. (2022). Examining the legitimacy and nature of futures transactions in Iranian law. *The 7th International Conference on Religious Research, Islamic Sciences, Jurisprudence and Law in Iran and the Islamic World*, Tehran.
- Katouzian, N. (2016). *Civil Law Course - Specific Contracts Volume 1: Indemnified Transactions, Acquisition Contracts*. Tehran: Enteshar. (In Persian)
- Léobon, L. (1862). *Théorie et pratique des obligations, ou commentaire des titres III & IV. livre III du Code Napoléon*, Art. 1101 à 1386, T: 1, Bruxelles: Durand.
- Mashhadizadeh, A.R. (2016). *A legal review of futures and options contracts in crude oil markets*. First ed, Tehran: Majd. (In Persian)
- Meysami, H., & Nadri, K. (2021). *Pathology of currency futures trading and design of alternative instruments in the Islamic framework*. Monetary and Banking Research Institute Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Mohseni, F. (2023). Prevention of Administrative Corruption Emphasizing Information Technology. *The Quarterly Journal of Judicial Law Views*, 18(61), 139-174. (In Persian)
- Motahari, M. (2008). *Collection of works*. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Motamedi, H., & Mostofifar, F. (2009). *Human trafficking, challenges and prevention strategies*. Tehran: Expediency Council, Strategic Research Center, Strategic Research Institute, Cultural and Social Research Group. (In Persian)
- Najafī, M.H. (1885). *Jawāhir al-Kalām*, Vol. 22. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Queloz, N., Borghi, M., & Cesoni, M.L. (2000). *Processus de corruption en Suisse: résultats de recherche, analyse critique du cadre légal et de sa mise en oeuvre, stratégie de prévention et de riposte*. Helbing & Lichtenhahn, ISBN: 3719019055, 9783719019051.
- Sabouripour, M., & Torkashvand, E. (2018). *Money Laundering in the Context of Virtual Banking, in Criminal Policy against Economic Offenders*. First Edition. Tehran: Mizan. (In Persian)

- Scheinost, M., Baloun, V., Kaderabkova, D., Krejcova, S., Necada, V., Karla Trdlicova, K., Diblikova, S., Machackova, R., & Rozum, J. (2003). *Research into Economic Crime 2000-2003 (From Selected Results of Research Activities of ICSP in the Years 2002-2004)*. Institute of Criminology and Social Prevention AddressNamesti 14, rijna 12, 150 21 Prague 5 Czech Republic, Czechia.
- Shahidi, S.M. (1998). *Forming Contracts and Obligations*. Vol 1, Shiraz: Lawyer. (In Persian)
- Sutherland, E. (1970). *White - Collar Crime*. New York: The Dryden Presst, p2.
- Taleb Ahmadi, H. (2001). The effect of Gharar on transactions. *Journal of Social Sciences and Humanities, Shiraz University*, 17(1)(33), 43-55.